



# زنان باید برقرار بمانند

جنبش زنان افغان



# "زنان توقف ناپذیر" جنبش زنان افغان



## **“طالبان ممکن است تغییر نکرده باشند، اما زنان افغان قطعاً تغییر کرده اند.”**

زنان افغان نه تنها برای مقابله با حکومت سرپرست در فرایند محو و پاکسازی سیستماتیک در خطرناک ترین عقب گرایی حقوقی زنان در جهان تلاش دارند؛ بلکه برای رقم زدن آینده که همه به حقوق شان دسترسی داشته باشند اقدام میکنند.

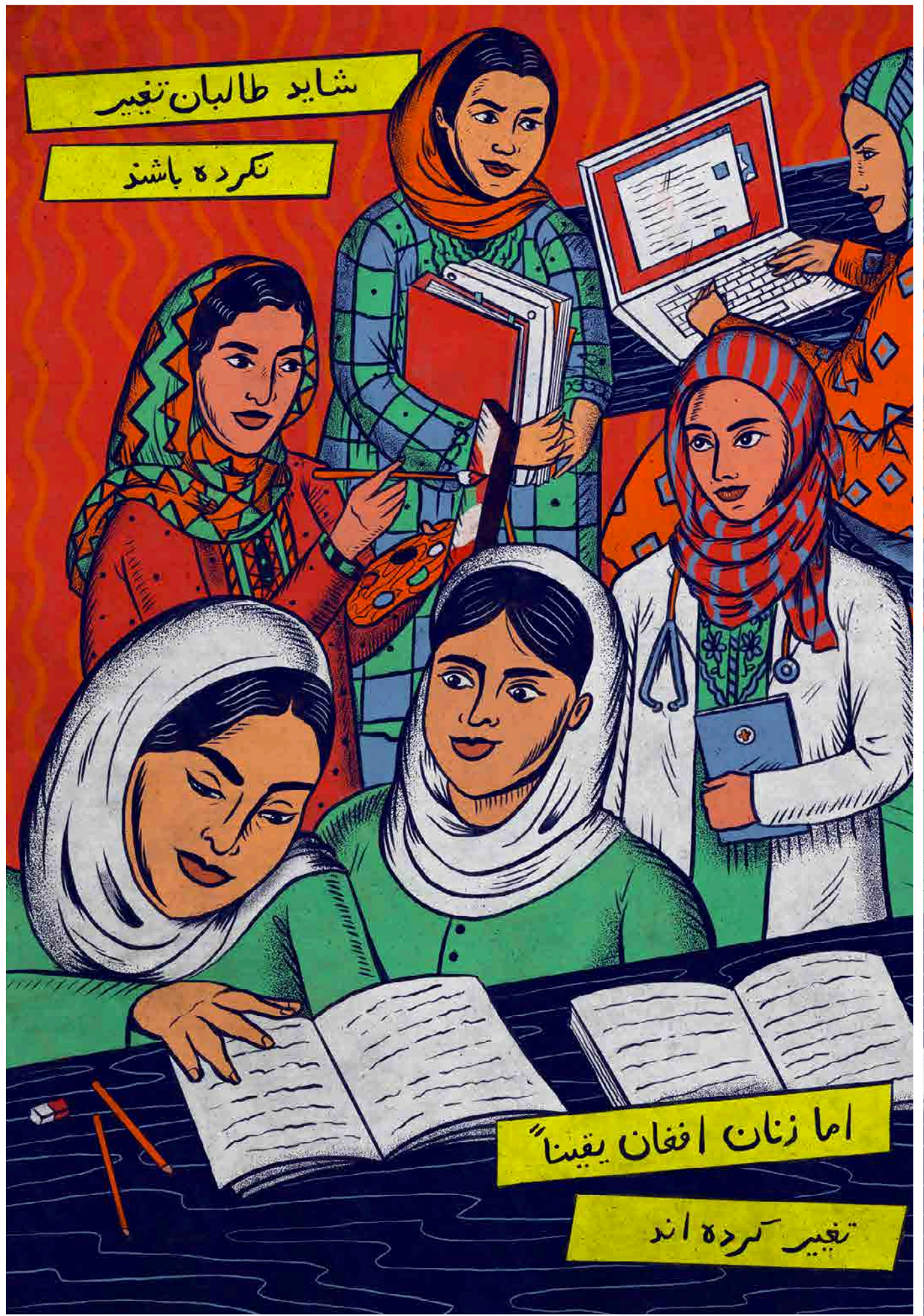
گزارش گرافیکی به همکاری خبرنگار افغان “فاطمه فیضی” و هنرمند “شهزیل مالک” با استناد به مصاحبه های انجام شده با چهار مدافع این جنبش که به نمایندگی از میلیون ها تن از مردم افغانستان که نمی توانند صدای شان را بلند کنند؛ زنانی که خواستار همبستگی با مقاومت غیر قابل توقف و اقدام بین المللی هستند، تهیه شده است.

هیچ یک از ما تصور نمی کردیم که طی ماه ها، مبارزه در مقابل تابوهای ممنوعیت زنان افغان، سنت عدم نوشتن نام زنان به صورت رسمی در جاهای عمومی از تذکره تا سنگ نمای قبرها را در هم شکست؛ طالبان دوباره قدرت را به دست بگیرند، اکنون افغانستان برای بار دوم به خطرناک ترین کشور برای زنان در جهان تبدیل شده است. با این حال، همان طوری که لاله عثمانی (بنیان گذار این کمپاین مبارزاتی) می گوید: «طالبان شاید تغییر نکرده باشند، اما زنان افغان قطعاً تغییر کرده اند.»

بیست سال گذشته نسل من را الهام بخشید تا به آموزش، دموکراسی و فعالیت های مدنی روی بیاورند. این امر یک جنبش مقاومتی را به وجود آورد که به گفته فعالانی که با آن ها مصاحبه کرده ام، «قابل توقف نیست»؛ در حالی که رژیم بالفعل ناپایدار است؛ آن ها می گویند که این موضوع مسئله زمانی است نه آن که تغییر ایجاد می شود یا خیر. اما در این روز های تاریک زنان افغان شمع امید را در دست دارند و خواستار همبستگی و اقدام بین المللی می شوند.

شاید طالبان تغییر

نگرده باشند



اما زنان افغان یقیناً

تغییر کرده اند

# «مقاومت زنان در افغانستان: خطرناک‌ترین کشور برای زنان در جهان»

ما مقاومت را از مادران و مادر بزرگ‌های ما آموختیم، برخی از آن‌ها در سال ۱۹۱۹ م یک سال قبل از زنان امریکا، حق رای به دست آوردند. این مقاومت در تاریخ ماست. همان طوری که دکتر حبیبه سرابی، اولین زن افغان که والی یک ولایت شد، می‌گوید: «زنان افغان امروز به گونه ساده به این موقعیت نرسیده‌اند. مهم نیست چقدر شکست خورده‌اند، اما یاد می‌گیرند که چگونه به پا خیزند. ایستادگی و مقاومت ویژگی زنان افغان است.»



تقریباً هر ماه فرمان های جدید با اثرات گسترده صادر می شوند که تلاش دارند زنان را از تمامی عرصه های جامعه محو و حذف کنند. هیچ زنی در مقایسه با سال ۲۰۲۱ م که بیش از یک تن از چهار نماینده پارلمان زن بودند، بخشی از اداره حکومت سرپرست فعلی نیست. بیش از پنجاه فرمان صادر شده که زنان را از حضور در فضای عمومی، تصمیم گیری، آموزش و کار منع می کنند.

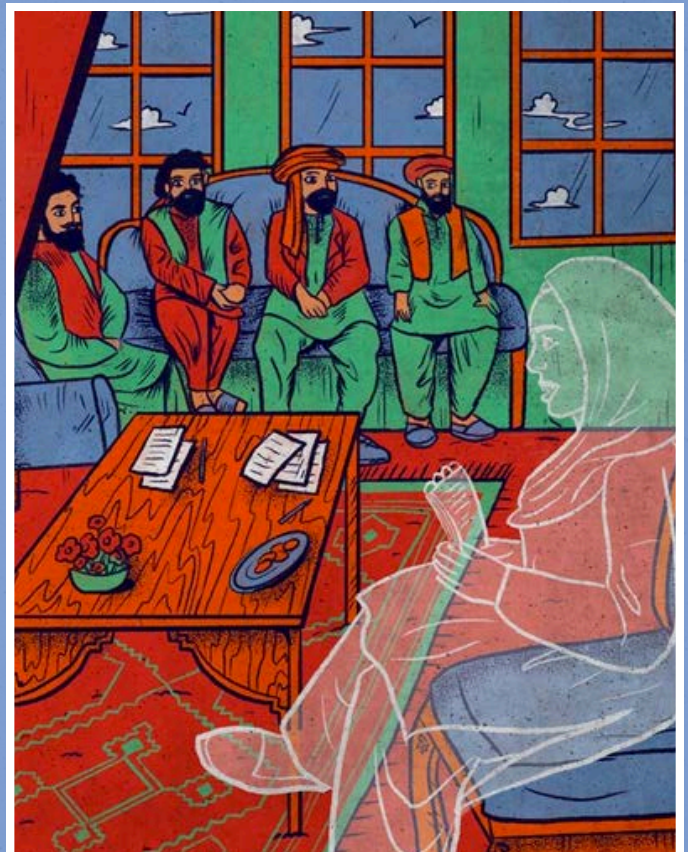
در ماه دسمبر سال ۲۰۲۳ م حکومت سرپرست این ممنوعیت ها را تمدید کرد تا زنان را از تدریس پسران جوان منع کند؛ این امر باعث می شود بسیاری از دانش آموزان بدون معلمین شایسته باقی بمانند. در اوایل سال گذشته آن ها نه تنها فرمان دادند که مرد ها باید در نقش رهبری به جای همه زنان جایگزین شوند، بلکه فرمان دادند تا نام "زنان" در اسناد عمومی و حتی لست های مستفیدین پروژه ها به نام "مردان" تعویض شود.

همچنان با الزامی نمودن تمام کارمندان به عضویت در لیست اسناد حقوقی (بانکی) راه فعالیت و مدیریت را به روی زنان بستند. سازمان های که نتوانستند این فرمان ها را تطبیق کنند، قادر به فعالیت نبوده که در نتیجه بیش از شصت درصد موسساتی که تحت رهبری زنان فعالیت داشتند، تنها در سال ۲۰۲۳ م مسدود شدند.



# زنان کجا هستند؟

زنان به طور سیستماتیک حذف شده اند







حکومت سرپرست از تاکتیک های سیستماتیک فزاینده برای اجرای آنچه به نام آپارتاید جنسیتی شناخته می شود استفاده می کند. خشونت، سوء استفاده و محو زنان از جامعه که هر روز با آن مواجه هستند؛ به آن ها آسیب رسانده و زنان به طور فزاینده زندگی خود را به دلیل نا امیدی کامل، از دست می دهند.

با این حال، زنان افغان به هر روشی که ممکن است علیه حکومت سرپرست مقابله می کنند. آن ها با طالبان مسلح در خیابان ها مقابل می شوند. جنبش های شبکه یی را در سراسر کشور شکل می دهند و با استفاده از موقف شان در شورای حقوق بشر و شورای امنیت سازمان ملل متحد، دادخواهی می کنند. نهاد های آموزشی را تاسیس کرده، تجارت و کارآفرینی جدید را راه اندازی می کنند؛ داستان ها و هنرها را آنلاین به اشتراک میگذارند و در صورت امکان مذاکرات مستقیم با حکومت سرپرست را پیش میبرند با وجود آن که فرمان های حکومت سرپرست مانع آن می شود که بدون محرم "عضو مرد خانواده" حتی حرکت کنند.





برای درک بیشتر فعالیت های دادخواهی در افغانستان، با چهار زن از اعضای برجسته این جنبش مصاحبه کردم.

نازیه یک وکیل است که زندگی و آزادی خود را به خطر می اندازد تا از کابل در باره گروه مشاوران زن صحبت کند. جای که او و سایر اعضای این جنبش از ۳۴ ولایت کشور به طور مداوم روی اولویت های کشور بحث می کنند. به سازمان ملل متحد و سایر موسسات بین المللی گزارش میدهند و برای حقوق زنان در صحنه بین المللی دادخواهی می کنند. نازیه می گوید: **«سعی می کنم صدای یک میلیون زن افغان باشم که حتی نمی توانند به راحتی نفس بکشند و هر آنچه را در ۲۰ سال گذشته کسب کرده بودند از دست داده اند.»**

سه تن دیگر از مصاحبه شونده ها، مدافعان حقوق زن هستند که مجبور به زندگی در تبعید (بیرون از افغانستان) شده اند؛ از امنیت نسبی خود برای دادخواهی جهت اولویت های تعیین شده توسط زنان در افغانستان استفاده می کنند. لاله عثمانی، بنیان گذار کمپاین "تابو شکنی" که قانون را قبل از تسلط حکومت سرپرست با راه اندازی کمپاین پرسش " نام من کجاست؟" تغییر داد. ناهید فرید، جوان ترین سیاست مدار زن افغان و یکی از نمایندگان پارلمان بود که قانون را با حمایت از کمپاین مذکور تغییر و تصویب کرد.

نگینه یاری مجبور شد از ریاست یک موسسه غیر دولتی با ۱۲۰ کارمند، استعفا دهد که این نشان دهنده حذف سیستماتیک زنان از رهبری و مدیریت تمامی موسسات غیردولتی است.

هر مصاحبه شونده با توجه بر جایگاه خود به عنوان قسمتی از یک شبکه گسترده، بر بیان ناهید تاکید می کنند: **«زنان افغان از حقوق اساسی خود محروم شده اند و به همین دلیل آن ها یک اکوسیستم را میان خود ایجاد کرده اند تا به همدیگر کمک کنند؛ نسل بعدی را تعلیم دهند و تسلیم نشوند.»**

مانند تمام زنان در اکوسیستم، مصاحبه شونده ها پیرامون انرژی و قدرت بخشی این شبکه از زنانی که قبل از آن ها در صحنه بودند و از موفقیت های مشترک جنبش صحبت کردند.



“زنان افغان از حقوق اساسی  
شان محروم شده اند و به  
همین دلیل یک اکوسیستم را  
میان خود شان ایجاد کرده اند  
تا به همدیگر کمک کنند...”



شاید یکی از برجسته ترین موفقیت های مدافعین زنان افغان، کمپاین "نام من کجاست؟" باشد. این کمپاین، نبود زنان در نامگذاری عمومی را برجسته کرد و سعی داشت با تاکید بر اهمیت شناخت هویت زنان در جامعه، برای برابری جنسیتی گسترده تر فشار وارد کند.

لاله عثمانی، به عنوان بنیان گذار این کمپاین توضیح میدهد:

**«زنان معمولی از خانواده های معمولی با شرایط غیرعادی به مبارزه پرداختند. خواست ما این بود که نام مادر در تذکره " کارت هویت ملی" فرزندش درج شود و به این ترتیب به مادران نیز اختیاراتی داده شود.»**

لاله می افزاید: **«این به یک جنبش در رسانه های اجتماعی تبدیل شد. خیلی از مردان از جمله (والی هرات) شروع به قرار دادن عکس مادرش در صفحات خود در رسانه های اجتماعی کرد و گفت: «این مادر من است. من به وجود او بسیار افتخار می کنم. این نام اوست و می خواهم بپذیرم که او هویتی دارد که با آن بسیار افتخار می کنم.» من پیام های زیادی از مردان افغان دیدم که می گفتند این بوی توسعه است. این اولین قدم به سوی آینده روشن است.»**

سه سال پس از فعالیت بی وقفه فعالان کمپاین، که در جریان آن به طور آنلاین و حضوری با تهدیدات زیادی مواجه شده بودند؛ در سال ۲۰۲۰ م رییس جمهور آن زمان، فرمانی را امضا کرد که اجازه داد نام زنان در "کارت هویت ملی" فرزندان شان درج شود. که این نخستین بار در تاریخ افغانستان است.





”اقارب (مردان) نباید معرفی  
هویت یک زن باشند. هویت  
از جمله حقوق اولیه تمام  
انسان ها است.“

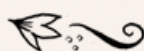
قبل از همه ما باید وجود زن را  
تایید کنیم! چنانچه این تایید و  
تصدیق سنگ بنای تمامی  
حقوق زن است.“



ناهید فرید، جوان ترین عضو پارلمان در آن زمان، یکی از نمایندگان مجلس بود که به تصویب این قانون کمک کرد. «این کمپاین توانست در مدت یک هفته عناوین رسانه های ملی و بین المللی را به خود اختصاص دهد و ما شروع به کسب اولین حق خود کردیم. ما نشان دادیم که وجود داریم و نفس می کشیم.» او افزود: «ما یک تابوی اجتماعی را به چالش کشیده و آن را تغییر دادیم، فرهنگی که باعث می شد زنان برای نسل ها به رسمیت شناخته نشوند.»

این دستاورد کوتاه مدت بود و بعد از گذشت چند ماه حکومت سرپرست قدرت را به دست گرفت و با وجود تعهدات شان در جریان مذاکرات صلح دوحه، شروع به عقب گرایی بر دست آورد های بیست سال گذشته کردند.

از زمان تسلط حکومت سرپرست، شمار ازدواج های اجباری و ازدواج های زودهنگام، فروش اعضای بدن و حتی کودکان برای جلوگیری از گرسنگی تمام خانواده افزایش یافته است. افغانستان اکنون یکی از معدود کشور های جهان است که در آن رقم خودکشی زنان بیشتر از مردان است.

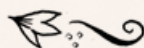




با این حال، در سراسر جنبش، زنان در مورد تحولاتی که در عرصه تحصیل، آموزش و کار از زمان ختم دور اول طالبان به وقوع پیوسته است به گونه واضح صحبت می کنند. " نام من کجاست؟" نمونه بارزی است که نشان میدهد چقدر دادخواهی زنان به میزان گذشته قدرتمند تر است. در اعتراضات مردمی که توسط زنان رهبری می شود، " نان، کار، آزادی" یکی از محبوب ترین شعار های مردم شد. زنان از آنچه که می دانستند حکومت سرپرست به آن حمله خواهد کرد مانند، آزادی، کار و توانمندی شان دفاع می کردند.

زنانی مانند نازیه به این تظاهرات پیوستند و در همه سطوح ملی و بین المللی فعالیت ها را سازماندهی نموده و امروز نیز به مقابله مستقیم با حکومت سرپرست ادامه می دهند. با وجود این که تصویر این فعالیت ها از عناوین رسانه ها کمرنگ تر میشود. «بیرون شدن و آمدن به جاده ها و راه اندازی اعتراضات برای حصول حقوق خویش به مثابه رفتن به خط مقدم در میدان جنگ است.» نازیه افزود: «ما دوباره با سربازان مسلح حکومت سرپرست روبرو هستیم. آن ها خطرناک هستند! ولی ما به مقابله با آن ها ادامه میدهیم زیرا ما برای حقوق تمام زنان مبارزه می کنیم.»

**”در کشوری مانند افغانستان، دادخواهی زنان برای زنان به مثابه بازی با آتش است. یک روز ما توسط آنها کشته و یا بازداشت خواهیم شد، اما هنوز در حال تلاش هستیم. خواست ما این است که جامعه بین الملل در کنار زنان افغان بایستد.“**





دعوت به دادخواهی مستقیم با حکومت سرپرست، " توسط زنان افغان، برای زنان افغان" در محوریت این جنبش متفاوت و متنوع قرار دارد.

مقامات حکومت سرپرست از هرگونه تعامل با زنان / مدافعان افغان امتناع می ورزند؛ اما زنان فرصت های را برای مذاکره مستقیم با آن ها ایجاد می کنند. پس از زلزله ویران کننده در هرات یکی از مدافعان زن از مقامات حکومت سرپرست خواست که به زنان اجازه دهند تا به مریضان زن از جمله زنان حامله که در معرض خطر مرگ هستند کمک کنند. با وجود امتناع متواتر مقامات حکومت سرپرست، او با هیئتی از مدافعان زن برگشت، تمام روز زیر آفتاب ایستادند تا آن که موفق به مذاکره شدند و در نهایت به آن ها اجازه داده شد که وارد عمل شوند و به مردم کمک کرده آن ها را نجات دهند.

زنان افغان به طور مداوم خواستار حمایت جامعه بین الملل با اولویت قراردادن موضوع مشارکت زنان در مذاکرات با حکومت سرپرست برای عدم حذف زنان شده اند. این مسئله با مصاحبه که با ۵۹۲ تن از زنان از ۲۲ ولایت کشور از طرف سازمان ملل متحد برای زنان صورت گرفته بود کاملاً مشخص بود؛ چنانچه زنان در گزارش خود اظهار داشتند که باید در مذاکرات با حکومت سرپرست شامل شوند.

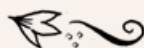




بیشتر اوقات، جامعه بین المللی نتوانسته است زنان را در مذاکرات با حکومت سرپرست حتی در مورد مسایل مربوط به زنان دخیل سازد. برخی اوقات فعالان بین المللی می گویند که این امر به دلیل خطرات امنیتی است؛ اما بسیاری از این زنان جان خود را به خطر می اندازند و مستقیماً با حکومت سرپرست مبارزه می کنند. آنها می پرسند که این مدافعان اولویت کی ها را دنبال می کنند.

این مخالف ادعای سایر فعالان بین المللی است که می گویند افغانستان اکنون امن است و زنان می توانند کار کنند. این ادعای نادرست و دروغین در مورد نظامی است که زنان مواجه به خطر خشونت مبتنی بر جنسیت را به زندان می اندازد و این اتفاق میفتد، چون فعالان بین المللی به زنان افغان گوش نمی دهند.

زمانی که فعالان بین المللی به زنان افغان گوش نمی دهند، نمی توانند صدای نیمی از جمعیت افغانستان را بشنوند و این امر منجر به ادعای نادرستی می شود که افغانستان اکنون صلح آمیزتر است و زنان می توانند کار کنند. همان طوری که فوزیه کوفی، عضو سابق پارلمان افغانستان می گوید: «**حقوق زنان نباید قربانی رسیدن به صلح باشد.**»



نگینه یاری، این سوء تفاهم را تجزیه و تحلیل کرده میگوید: «اگر آن ها این وضعیت را صلح می نامند، پس صلح به معنی نادیده گرفتن نصف جمعیت افغانستان است. هیچ بمب گذاری نیست، هیچ حمله انتحاری انجام نمی شود، اما زنان خودشان را می کشند چون گزینه های جایگزین دیگری ندارند.»

این بازتاب صدای بسیاری از زنانی است که سازمان ملل متحد برای زنان، با آن ها صحبت کرده، از جمله منیژه یک معلم در افغانستان است که میگوید: «من از جامعه بین الملل می خواهم که به زنان افغان گوش دهند! ما نیاز داریم که شنیده شویم.»

**«اگر آنها این وضعیت را صلح می نامند،  
صلح یعنی نادیده گرفتن نصف جمعیت  
افغانستان است. هیچ بمب گذاری  
نیست، هیچ حمله انتحاری انجام نمیشود،  
اما زنان خود را می کشند زیرا گزینه دیگری  
ندارند.»**





# به صدای زنان افغان گوش دهید و عمل نمایید

آیا صلح به منی نادیده گرفتن

نصف جمعیت است؟



نگینه یاری، در ادامه توضیح میدهد: برخی فعالان بین المللی ادعا می کنند که یک سال پس از ممنوعیت کار زنان در موسسات غیردولتی در افغانستان، هنوز زنان میتوانند کار کنند. او پاسخ می دهد: «بلی بعضی از موسسات از راه حل های موقت برای پرداخت معاش کارمندان اناث به رغم ممنوعیت های وضع شده استفاده می کنند! و بلی، بعضی از خانم ها با ایجاد فشار موفقانه باعث باز گشایی بعضی از مارکیت های -مختص به زنان - شدند. اما این موارد امیدوار کننده با توجه به موضوع کل افغانستان انگشت شمار است. زنان فعلا بدون این که اسم شان درج کدام سیستم رسمی و قانونی باشد اکثرا از خانه کار می کنند. تا چه زمان تمویل کننده ها قادر به پرداخت معاش کارمندان اناث موسسات محلی با همچون فرایند نا مشخص خواهند بود؟»

او در ادامه توضیح میدهد که روایت های نادرست فعالان بین المللی ناخواسته باعث عادی سازی روند سیستماتیک حذف زنان از کار و اشتغال می شود.

نگینه یاری به خوبی می داند که استخدام زنان در افغانستان چقدر خطرناک است. او به مانند بسیاری از زنان دیگر در افغانستان با صدور فرمان از طرف حکومت سرپرست که طبق این فرمان زنانی که در موقف های تصمیم گیری قرار داشتند مجبور شدند مسوولیت های خود را به مردان واگذار کنند و امضای زنان را در سیستم مالی موسسات غیرقانونی اعلام کردند؛ مجبور به تنزیل از مقام خویش از یک سازمان غیردولتی شد.

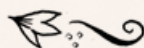
نگینه با تهدیدات بسیاری مواجه شد و به مانند بسیاری از زنانی که با آن ها مصاحبه کردم، با اندوه در آوازش از اثرات ناگوار روحی و روانی و بی ثباتی ساختاری که حاصل ممنوعیت زنان از کار و رهبری سازمان ها بود صحبت می کند: «حس می کنم فقط دو گزینه برای ما باقی گذاشتند. یا باید کشور را ترک کنیم و یا هم در داخل کشور بمیریم. به شما همواره تلقین می شود که هیچ ارزشی ندارید، این که فقط بایک اعلامیه/ فرمان میتوانیم از همه جا و همه چیز حذف تان کنیم. و این که شما همیشه طبقه دوم جامعه هستید.»



نگینه می گوید، با وجود مجبور بودن برای زندگی در تبعید، مانند بسیاری از زنان دیگر که در خارج از افغانستان زندگی می کنند او به دفاع از اولویت های زنان در افغانستان ادامه میدهد و به نزدیکی با شبکه متنوع از زنان از جمله فعالان، مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران، محصلین، داکتران، وکیلان و دیگران کار می کند. همه آن ها از کشور و کار خود به زور بیرون رانده شده اند. اما هم چنان به طور داوطلبانه فعال هستند. درد و غم مشترک آن ها را گردهم آورده، فارغ از هر نوع تمویل از طرف تمویل کننده ای. نگینه ضمن توضیح این که چگونه زنان با ایجاد فضای پر از اعتماد و اطمینان از هم حمایت و پشتیبانی می کنند بر اهمیت بی طرفی سیاسی که این وضعیت ایجاد کرده و تأثیرات آن تأکید می کند.

نگینه می گوید: طی دو سال گذشته، صدای جوانان، آزاد و مجزا از هر نوع تأثیرات و نفوذ گذشته و وحدت میان شان برای دادخواهی به گونه چشمگیری افزایش یافته است. او تأکید میکند: «**جامعه بین الملل باید به صدای نسل جدید زنان افغان گوش دهد.**» این کار نه تنها برای آن ها تصویر روشن از آپارتاید جنسیتی حکومت سرپرست و وضعیت حاکم فعلی بر زنان و دختران افغان را نشان میدهد بلکه آزادی زنان و اهمیت دیدگاه های اولیه آن ها در شکل دهی گفتمان و پالیسی های که بر زندگی و کشور شان تأثیر میگذارد را به رسمیت می شناسند.

**«جامعه بین المللی باید به صدای نسل جدید زنان افغان گوش دهد.»**

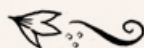


آپار تاید  
جنسیتی  
طالبان را  
جنایت  
علیه بشریت  
بدانید

کوتاهی جوامع بین المللی در عمل به این معنا است که عملکرد نظامی که به بیان بسیاری از مردم معادل آپارتاید جنسیتی است؛ عادی جلوه داده می شود. این دیدگاه پالیسی و روش های حکومت سرپرست را به عنوان تلاش آگاهانه و سازمان یافته برای تفکیک، سرکوب و تبعیض علیه زنان بر اساس جنسیت آن ها می بیند.

تحت چنین شرایط زنان نه تنها از حقوق اساسی خود محروم می شوند؛ بلکه در هر عرصه زندگی نیز به عنوان پایین تر از مردان با آن ها معامله می شود.

ناهید فرید در ماه سپتمبر سال گذشته به یک کمپاین پیوست و بر خواسته خویش از کشور های عضو سازمان ملل متحد برای تدوین جرم آپارتاید جنسیتی در پیش نویس میثاق جرایم علیه بشریت اصرار ورزید. این اولین معاهده بزرگ جهانی در باره جرایم بین المللی پس از اساسنامه روم 1998 م محکمه جرایم بین المللی است. او امیدوار است که اگر روزی محکمه حکم صادر کند که آپارتاید جنسیتی حکومت سرپرست یک جرم علیه بشریت است؛ دفاع از آن ها یا مشروعیت بخشیدن به آن ها بسیار سخت تر خواهد شد.



**«زنان افغانستان رهبران هستند. زنان افغانستان و مقاومت آن‌ها نباید نادیده و دست‌کم‌گرفته شود. می‌کانبیزم و معاهدات بین‌المللی اگر حال نتواند محافظ زنان افغان باشد؛ پاره‌کاغذ بیش نیست. حال وقت عمل است. اپارتاید جنسیتی حکومت سرپرست را در سطح بین‌المللی به عنوان جرم علیه بشریت بشناسد.»**

کوتاهی جامعه بین‌الملل در گوش دادن و عمل به خواسته‌های زنان افغان برای اشتراک در دادخواهی و حق‌طلبی باعث شده که بسیاری از زنان افغان احساس کنند حقوق آن‌ها به مانند توپ فوتبال است که در یک بازی بین جوامع بین‌المللی و حکومت سرپرست این طرف و آن طرف پرتاب می‌شود. ناهید تاکید می‌کند که نتیجه محروم کردن زنان از دادخواهی‌های مستقیم، پیامدهای گسترده‌تری دارد.

او می‌گوید: **«در حال حاضر مبارزه زنان افغان تنها برای حقوق زن‌ها نبوده بلکه آن‌ها به جاده‌ها بیرون می‌شوند تا برای حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و طیف وسیع از حقوق جامعه مبارزه کنند.»** مبارزه آن‌ها ریشه در تمایل آن‌ها به شکل دادن به یک آینده بهتر برای دختران شان و همه کسانی که در افغانستان سرکوب می‌شوند دارد. **«زنان افغان در حال مقاومت اقتصادی، مقاومت در داخل و خارج از فضای خانه‌های خود هستند. آن‌ها رهبران هستند. ما باید قدرت آن‌ها را به رسمیت شناخته و به آن‌ها اعتباری که شایسته آن‌ها است بدهیم.»**

**«ما زنان افغان هستیم، ما غیر قابل توقف هستیم.»** نگینه هم چنان تصریح کرد، رژیم فعلی اساساً نا‌پایدار است؛ چنانچه در حال تعدی و حذف سیستماتیک نیمی از نفوس جامعه است. در عین حال جامعه جهانی برعلاوه این که با گوش ندادن و عمل نکردن به خواسته‌های زنان به عادی‌سازی وضعیت فعلی پرداخته بلکه بر روایت‌های دروغین نیز می‌افزاید.





در واقعیت در گفتار نازیه، درخواست زنان افغان بسیار واضح است:

**“من جدی و صمیمانه از مخاطبان  
بین المللی می خواهم که در چنین  
لحظات حیاتی کنار زنان افغان  
بایستند. ما نمی خواهیم که قلعه‌ای  
در آسمان ساخته شود... ما خواهان  
حقوق اساسی خود هستیم.”**





تهیه شده با همکاری نازیه، وکیل زن افغان،  
ناهید فرید، لاله عثمانی و نگینه یاری

...

نوشته شده توسط فاطمه فیضی با همکاری  
ایمیلی اولیور (BeyondText) و انا ریدوت  
تصویر پردازی شده توسط شهزیل مالک  
کارگردانی و تهیه شده توسط ایمیلی اولیور (BeyondText)  
طراحی شده توسط استدیوی A به نام جین

...

پیشنهاد شده توسط سازمان ملل متحد برای زنان

سازمان ملل متحد برای زنان ۲۰۲۴ ©

نظریات و دیدگاه های چاپ شده در این نشریه، مربوط نویسندگان بوده  
و به هیچ وجه از دیدگاه های سازمان ملل متحد برای زنان، سازمان ملل  
متحد و نه هیچ یک از سازمان های مرتبط به آن نمایندگی نمیکند.

با آن که داستان های خسران و زیان در سراسر افغانستان طنین انداز شده اما با آن هم امیدی در برابر چنین ناامیدی ها وجود دارد. زنان افغان محدودیت های وضع شده بر حقوق شان را در عرصه های آموزش، کار و آزادی بیان را نمیپذیرند.

## زنان افغان تسلیم نخواهند شد. آنها توقف ناپذیر اند.

سازمان ملل متحد برای زنان این نشریه را به همکاری زنان افغان تهیه کرده تا مقاومت خارق العاده و دادخواهی قدرتمند زنان افغان را در این شرایط دشوار و سرکوب کننده پردازش دهد. سازمان ملل متحد برای زنان به هر نحوی حمایت کننده زنان افغان است، صداها، اولویت ها و توصیه های آنها را به جهانیان میرساند، خدماتی را که آنها به شدت به آن نیاز دارند رسیدگی نموده، از تجارت و سازمان های آنها حمایت می کند.

#UnstoppableWomen

#IWD2024

